

مربی م‌شرک! (در مورد تقویت اخلاص هست)

تقویت اخلاص

حضرت امام می‌گویند اگر می‌خواهید ببینید کار شما خالص است یا نه، ببینید اگر همین کار به اسم شخص دیگری تمام می‌شد، باز هم مثل الان خوشحال می‌شدید؟ از این جهت که بالاخره اصل انجام کار برایتان مهم بوده است. اگر این‌گونه نیست، بدانید که خالص نبوده.

علمای اخلاق بحثی دارند که شرک دو گونه است: جلی و آشکار، شرک خفی و پنهان.

شرک خفی دو نوع است. یکی اینکه دنبال این باشیم که رضایت کسی دیگر غیر از خدا را به دست بیاوریم که همان ریا می‌شود و نافی صحت عمل خواهد بود.

نوع دوم اینکه دنبال رضایت خودت هستی. این دیگر عمل را باطل نمی‌کند اما معلوم هم نیست که قبول بشود. صحت عمل با قبول آن فرق دارد. خیلی مواقع نمازهای ما صحیح هست ولی مقبول نیست. این همان اخلاصی است که به دست آوردن آن بسیار سخت است.

اخلاص از ریا خیلی راحت تر است. اما رهایی از این نوع شرک خفی زحمت دارد. گاهی اوقات اعمال ما در جهت حبّ ریاست یا حبّ جاه و شهرت است؛ می‌خواهیم محبوب و صاحب منزلت شویم، استیلا طلبی داریم و می‌خواهیم بر دیگران غلبه کنیم و خودمان را برتر نشان بدهیم، حرف خودمان را به کرسی بنشانیم و این تبدیل به شاکله و نفسانیت ما شده است. جزو رذایل وجودی ما است و باطن ما را شکل داده. وقتی باطن ما شد، هرکس بر طبق شاکله باطنی خودش عمل می‌کند،

(قل کلّ یمعل علی شاکله)

بنابراین عدالت خواهی ما هم در راستای حبّ نفس است. پس کار فرهنگی و تشکیلاتی‌مان می‌تواند به این شکل درآید؛ یعنی ظاهر آن خوب است، حُسن فعلی دارد اما حُسن فاعلی ندارد. نیّت خراب است. علمای

اخلاق از جمله حضرت امام می‌گویند اگر می‌خواهید ببینید کار شما خالص است یا نه، ببینید اگر همین کار به اسم شخص دیگری تمام می‌شد، باز هم مثل الان خوشحال می‌شدید؟ از این جهت که بالاخره اصل انجام کار برایتان مهم بوده است. اگر این‌گونه نیست، بدانید که خالص نبوده. این منیّت‌ها در کار تشکیلاتی هم جلوه می‌کند. اسم تشکیلات من باید مطرح شود، تشکیلات من باید بر سایر گروه‌ها و تشکّل‌ها غلبه داشته باشد و البته نه با هدف درست که همان طرح و غلبه گفتمان حقّ باشد بلکه خودمان و اسم‌مان موضوعیت پیدا می‌کند. دیگر خدا در نظر ما نیست؛ یک منِ توسعه‌یافته جای او را گرفته است!

آن وقتی که عمرو بن عبدود به حضرت علی علیه‌السلام آب دهن انداخت، حضرت یک چرخ زرد و بعد سر او را برید. فرمود نمی‌خواستم از روی غیظ به خاطر آن حرکتش باشد. مبادا تسویه حساب شخصی باشد. می‌خواستم برای خدا باشد. خیلی وقت‌ها مبارزه‌های ما با دشمن خدا است اما به خاطر آب دهن او! تسویه حساب شخصی و گروهی است. با مسئول کشوری یا منطقه‌ای مشکل پیدا کرده‌ایم و به کینه شخصی و روکم‌کنی کشیده شده است، آن وقت بیانیه می‌دهیم، علیه او افشاگری می‌کنیم و ...

يَحْسَبُونَ اَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا .

فکر می‌کنیم که کار فرهنگی و امر به معروف انجام می‌دهیم. واقعیت این است که داریم خودمان را آرام می‌کنیم و می‌خواهیم حال شخص مقابل را بگیریم! غیظ و غضبی که پیدا کرده‌ایم را ارضاء می‌کنیم. گاهی اوقات این منیّت‌ها در تشکیلات و گروه، نهادینه می‌شود. پس آسیب و لغزشگاه اوّل کار گروهی، منیّت تشکیلاتی است.

حجت‌الاسلام مهدی همازاده / نشریه راه شماره 18-19